

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندל شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مؤدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

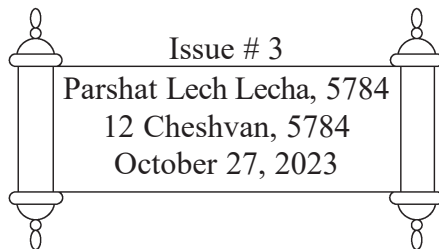
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, October 27, Light Shabbat Candles, by 5:47 p.m.
Saturday, October 28, Shabbat ends at 6:49 p.m.
(Times are for Los Angeles)

IN HONOR OF
Rabbi Yakov Hertzal שיחי' Peer
On the occasion of his birthday, 14 Cheshvan, 5784
*
DEDICATED BY HIS FAMILY שיחיו

JEWISH CHILDREN:
Get your own letter
in a Sefer Torah!
<http://www.kidstorah.org>

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:
CPY & Moshiach Awareness Center,
Chabad Persian Youth a Project of:
9022 W Pico Boulevard. Enlightenment For The Blind, Inc.
Los Angeles, CA 90035 602 North Orange Drive.
Tel.: (310) 777-0358 Los Angeles, CA 90036
Fax: (310) 777-0357 Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
<http://www.cpycenter.org> <http://www.torah4blind.org>
e-mail: cpycenter@sbcglobal.net e-mail: yys@torah4blind.org
Rabbi Hertzal Peer, Executive Director Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director
Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095

לֶח־לְכָא

اینطور به نظر می آید که مابین نام این پاراشا و محتوی آن تناقضی وجود دارد. لֶח־لְכָא به معنای رفتن به درون خود و بسوی هدف و وظیفه الهی که خداوند برای اوراهام تعیین کرده است، میباشد. اما محتوی پاشارا صحبت از وقایعی می کند که او را از انجام حرکت بسوی این هدف باز میدارد. این مبحث با بررسی عمیق پاراشا این تناقض را حل می کند.

۱- پیام یک اسم

اسامی در تورا تصادفی نبوده و در بسیاری موارد ما می بینیم که آنها مشخص کننده ذات و محتوای مکان ها و افراد هستند و همین موضوع در مورد نام پاراشاها نیز صادق است. نام هایی که بر آنها قرار گرفته اشاره ای بر محتوای آنهاست حتی اگر چه بظاهر این اسامی بنظر می آید که تصادفی انتخاب شده اند و همان اولین کلمات شروع پاراشا هستند، ولی ما باید بدانیم که اصولاً چیزی بنام تصادف بخصوص در مطالب تورا وجود ندارد و همه چیز زندگی ما بوسیله نظارت الهی اداره و انجام میشود.

ما ممکن است تصور کنیم که نام گذاری پاراشاها یک ابداع نسبتاً تازه می باشد. چرا که مطمئن نیستیم که نام آنها در تلمود آمده^۱ باشد؟ در حالیکه نام کتاب های تورا و^۲ تقسیمات میشنا^۳ در آنجا گفته شده است اما یک اصل کلی در مورد اسناد قانونی وجود دارد که نامی که بر چیزی و یا کسی گذاشته می شود چنانچه برای مدت سی روز بر^۴ آن مانده و مورد استفاده قرار گرفته باشد آن نام از نظر قانون تورا (هلاخا) نام آن چیز و یا نام آن شخص خواننده خواهد شد. بنابراین اصل از آنجا که نام پاراشاها بیش از هزار سال است که بر آنهاست و بوسیله ربانیم ما همچون راشی^۵ مورد استفاده قرار گرفته است بنابراین نام آنها بوسیله قانون تورا (هلاخا) نام آن پاراشا می باشد.



E-Z Office Machines
LA's Easy Office Solution

In Business Since 1990

**SALE • SERVICE • REPAIR
RENT • LEASE**

- COPIERS
- LASER PRINTERS
- FAX
- TYPEWRITERS

ISAAC
310-557-0702
FREE PICK-UP
& DELIVERY

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035
www.ezofficemachines.com

۱- رجوع شود به مگیلا ۲۹ ب. ۳۱ الف - سوطا ۴۰ ب ۲- بلبا بترا ۱۴ ب ۳- در بسیاری موارد

۴- بابا بترا ۱۶۷ ب، شولخان آروخ خوشن میشباط ۴۹.۳ ۵- برشیت ۲.۴۷ شموت ۱۹.۱۱-۲۵.۷

۲- لَخِ لَخَا - حرکت بسوی درون

این کلمه معمولاً به عنوان "خارج شو" (از کشورت از محل تولدت و یا خانه پدرت...) ترجمه میشود ولی ترجمه لغت به لغت آن "برو بسوی خودت" می باشد. رفتن از نظر تورا به معنای حرکت بسوی هدف نهایی زندگی یعنی عبادت خداوند می باشد و به این موضوع در کلمه "برو بسوی خودت" اشاره شده است که به معنای حرکت بسوی روحانیت^۶ و هدف نهایی زندگی می باشد. آن هدفی که انسان برای آن خلق شده است.

و این دستوریست که به اوراهام داده شد و اولین قسمت پاراشا با اجرای این دستور شروع میشود. خداوند به او می گوید که محیط زندگی اش را که در میان خیتی ها بود ترک کرده و به بیسرائل برود و همینگونه هم میشود و او در آنجا به طرف جنوب یعنی یروشالایم حرکت می کند و در حالیکه او بطرف درجات بالای روحانی و معنوی در حرکت است ما به یکباره می بینیم که در کنعان قحطی میشود و اوراهام به طرف مصر پائین میرود. علت این تغییر ناگهانی در سفر روحانی اوراهام چه بود؟ بخصوص در حالیکه این پاراشا همانگونه که از نام آن بر می آید می بایست شامل چگونگی پیشرفت دائمی اوراهام بطرف کمال روحانی و هدف زندگی اش باشد؟

۳- عروج و یا سقوط

این مطلب که این جریان نوعی سقوط روحانی بوده است واضح است همانگونه که تورا می گوید "اوراهام به طرف مصر پائین آمد... رفتن به مصر به خودی خود یک نزول معنوی است و علت آن "که در زمین قحطی شد" بنظر می آید که عمداً بوسیله خداوند انجام شده است و از این بالا تر آنکه که خداوند به اوراهام قول داده بود که "تورا به قوم بزرگی تبدیل می کنم و تورا برکت خواهم کرد و نام تورا بزرگ خواهم کرد". آیا عجیب نیست که زمانی که او به سرزمینی که خداوند به او نشان داده بود رسید در آن جا قحطی شده و او مجبور می شود که آن سرزمین را ترک کند.

یکی از جواب هایی که برای این سؤال عنوان شده است این است که این واقعه نیز برای اوراهام نوعی آزمایش بود که او برای آنکه خود را برای انجام مأموریتش شایسته نشان بدهد باید آنرا پشت سر می گذاشت و میدراش^۷ توضیح میدهد که زمانی که اوراهام با این سختی ها مواجه میشد "شکایت نمی کرد و عصبانی نمی شد".

هدف اوراهام است. گالوت و سرگردانی که ما در آن هستیم همچون سرگردانی اوراهام نوعی آماده گی است و بنابراین قسمتی است از نجات آینده ما آن نجاتی که ما را به معنویتی بالا تر^{۱۴} از آنچه که بدون گالوت به آن میرسیدیم میرساند. "عظمت خانه بعدی (بیت همیقداشی که در زمان ماشیح بنا خواهد شد) بزرگتر خواهد بود از عظمت خانه قبلی (اولین بیت همیقداش)" به این ترتیب گالوت جزئی جدانشدنی از پیشرفت روحانی ما بوده و به ما این امکان را میدهد که تمامی جهان را و نه فقط گوشه کوچکی از آنرا با اعمالمان مقدس کنیم. ممکن است کسی ادعا کند که جهان پیشرفتی نکرده است؟ و بنظر نمی رسد که مقدس تر شده است؟ دقیقاً عکس این مطلب صادق است.

این یک قضاوت بسیار سطحی است. تاریخ بخودی خود حرکت نمی کند بلکه حرکت آن بوسیله مشیت الهی صورت می گیرد. آنچه که بظاهر یک سقوط و نزول بنظر می آید در واقع قسمتی از یک مرحله دائمی تغییر پنهانی است که این تغییرات زمانی حاصل می شود که ما اعمالمان را وقف تورا و خواست خداوند می کنیم. به عبارت دیگر جهان بطور مداوم از نظر روحانی به مقام بالاتر و منزله تری میرسد. و هیچ چیز این مطلب را بهتر از سفرهای اوراهام اگر بصورت عمیق به آنها نگاه کنیم اثبات نمی کند.

یک فرد یهودی در هر موقعیتی که باشد چنانچه هدف زندگی اش را رسیدن به کمال آنگونه که در پاراشای لَخِ لَخَا عنوان شده است تعیین کند و زندگی اش را در محور و حوزه تاثیر تورا قرار بدهد به مقام و مکان شایسته ای در فراهم کردن نجات آینده بیسرائل خواهد رسید.

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد پنجم ص ۵۷ الی ۶۷) (Source: Likkutei Sichot, Vol. 5, pp. 57-67)

سفر اوراهام به مصر، گالوت آینده بنی یسرایل را ایجاد کرد و خروج اوراهام از مصر باعث نجات یسرائل ها از مصر شد و همانگونه که اوراهام بسیار غنی شده و با ثروت زیاد با گله، با نقره و طلا مصر را ترک کرد همانگونه هم یسرائل ها مصر را ترک کردند.

حتی این امتیاز، که یسرائل ها از مصر نجات پیدا کردند را نیز مدیون سارا هستند چونکه همانگونه که سارا ۱۲ مانع پیشرفت فرعون در انجام گناه با او شد زندهای یسرائل هم از انجام گناه با مصری ها خودداری کردند.

۵- وجود نتیجه در شروع عمل

زمانی که موضوع را به این ترتیب درک می کنیم ما می توانیم چگونگی پایان یافتن سفر اوراهام را در شروع آن ببینیم هدف از شروع آن خروج از مصر با ثروت زیاد، گله و گوسفند، نقره و طلا بود که خود توضیح دهنده این مطلب است که او می بایست مادی ترین پدیده های این جهان را به خدمت خدا و تقدس در بیاورد. و این مطلب در واقع هدف یسرائل ها در گالوت مصر بود که حضور خداوند در دور افتاده ترین نقاط جهان احساس بشود. در فلسفه یهود مطلبی است که این موضوع را توضیح میدهد. تلمود بابلی بر خلاف تلمود یروشلمی هرگز مستقیماً به مطلب اصلی اشاره نمی کند بلکه از طریق بحث و عنوان مطالب دیگر نتیجه را روشن کرده و ما را به هدف اصلی میرساند. در واقع زمانی که هر دو کتاب در مورد مطلبی با هم مخالفت دارند همواره نظر تلمود بابلی مورد قبول واقع میشود ۱۳.

به همین ترتیب هم نزول و سقوط ها در تاریخ قوم یسرائل نشان دهنده دور افتادن آنها از هدف اصلی سرنوشت آنها نیست بلکه طریقی است که بوسیله آن نور خداوند در گوشه های دور افتاده دنیا پرتو افکنی خواهد کرد و این به نوعی آماده شدن برای نجاتی است که در آینده برای آنها فراهم خواهد شد.

سفر اوراهام به مصر نه یک توقف بلکه قسمتی جدا نشدنی از انجام فرمان خداوند است که می گوید "برو به درون خودت" که به معنای سفر کردن به آن نقطه کمال درونی است که همان عبادت خداوند می باشد.

و همانگونه که سرنوشت اوراهام همان سرنوشت آینده بنی یسرائل می باشد هدف ما نیز همان

ولی این توضیح میدراش کافی نیست برای آنکه مأموریت اوراهام یک مأموریت شخصی نبود. وظیفه او این بود که نام خداوند را گسترش داده و طرفداران بیشتری برای این ایمان تازه پیدا کند. میدراش^۸ سفرهای اوراهام را به ظرفی محتوی ادویه جات خوشبو تشبیه می کند که برای پخش بوی خوشایند آن می بایست آنرا تکان داد. بنابراین توضیح این سقوط معنوی (رفتن به مصر) به عنوان یک سفر شخصی مشکل را برطرف نخواهد کرد بخصوص وقتی که اثرات آن مأموریت اوراهام را به خطر می انداخت. قحطی که با آمدن اوراهام ایجاد شد نه فقط کمکی به گسترش نام خداوند نمی کرد بلکه به عنوان یک بدقدمی و فال بد برای مردم تلقی میشد.

فاجعه بدتری که برای اوراهام اتفاق افتاد آن بود که زمانی که او وارد مصر شد سارا زنش را با زور از او گرفتند و اگر چه فرعون حتی او را لمس هم نکرد^۹ ولی این خود یک دلیل مشخص بر نزول و سقوط کردن از آن روحانیتی بود که اوراهام برای رسیدن به آن سفرش را شروع کرده بود.

و حتی قبل از زمانی که آنها به مصر نزدیک بشوند اوراهام به سارا گفت "حالا دانستم که تو زیارو هستی" که نشان دهنده این مطلب است که اوراهام شروع به نگاه کردن به سارا از دیدگاه مردمان مصر کرده است. در حالیکه قبلاً با توجه به مقام بالای معنوی که آنها^{۱۰} از آن برخوردار بودند و بخاطر حجب و حیای ارتباط روحانی او این مطلب را متوجه نشده بود.

بنابراین با توجه به وجود چنین وقایع متضادی آیا می توان لخ لخر را همانگونه که از نامش بر می آید عروج اوراهام بطرف هدف زندگیش یعنی روحانیت هرچه بیشتر تلقی کرد؟

۶- قانون اولیه تاریخ

ما می توانیم با درک عمیق این اصل کلی که «اعمال پدران علامتی است برای زندگی فرزندان» به این موضوعات پاسخ دهیم. این اصل تنها به این معنا نیست که سرنوشت پدران در سرنوشت فرزندان نشان منعکس میشود بلکه بیشتر به این^{۱۱} معناست که آنچه که آنها انجام میدهند باعث میشود که چگونه وقایعی برای فرزندان نشان اتفاق بیافتد. خوبی هایی که آنها انجام داده اند (زخوت) این قدرت را برای فرزندان نشان فراهم می آورد که راه آنها را دنبال کنند. در این سرگردانی های اوراهام تاریخ آینده بنی یسرائل شکل گرفته و ممکن شده است.